

شناخت، رفتار، یادگیری

طراحی مدل ساختاری رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های زوج درمانگری سیستمی معنوی با نقش میانجی انسجام در خانواده

سپیده یآوری^۱، مسعود جان بزرگی^۲، جعفر هوشیاری^۳

۱. گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استاد گروه روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Psychjan@gmail.com

تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

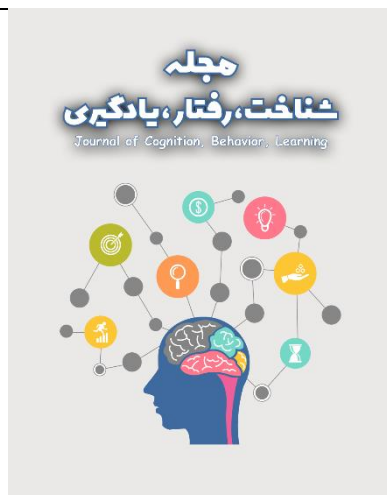
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

چکیده

خانواده به عنوان کوچکترین و مهمترین واحد اجتماعی، نیازمند سرمایه گذاری روانی گسترده‌ای است. هدف این پژوهش تدوین مدل ساختاری رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های زوج درمانگری سیستمی معنوی با نقش میانجی انسجام در خانواده بود. روش تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی بود و از جامعه آماری تحقیق شامل زوجین شهر اصفهان بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه‌های زوج درمانی سیستمی - معنوی جان بزرگی، رضایت زناشویی انریچ و انسجام خانواده پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر شدند. نتایج نشان داد ضریب بتای زوج درمانگری سیستمی - معنوی با انسجام در خانواده برابر با ۰/۳۵ درصد، ضریب بتای انسجام در خانواده با رضایت زناشویی برابر با ۰/۳۹/همچنین بار زوج درمانگری سیستمی - معنوی بر رضایت زناشویی برابر با ۰/۳۲ گزارش شده است. با توجه به ضرایب بتای به دست آمده فرضیه پژوهش مبنی بر درمان سیستمی - معنوی با نقش میانجی انسجام خانواده رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند تایید می‌شود. بنابراین معادله ساختاری که رابطه بین رضایت را با مؤلفه‌های زوج درمانگری سیستمی معنوی با میانجی‌گری انسجام خانواده بررسی کرده است، برازش این معادله را تأیید می‌کند. یعنی تعامل همسران؛ انعطاف و نفوذپذیری آن‌ها و توانایی قهرمانی - بخشش آن‌ها می‌تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند و متغیر انسجام خانواده این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچند انسجام نیز رابطه مثبت معنا داری با متغیرهای فوق دارد. نتایج این تحقیق متغیرهای زوج درمانگری سیستمی معنوی رضایت و انسجام خانواده را پیش بینی می‌کند

کلیدواژه‌گان: رضایت زناشویی، زوج درمانی سیستمی معنوی - تعامل همسران (مهر و قدرت)، رها - آشکارسازی (بخشش)، انعطاف - نفوذ ناپذیری همسران، انسجام خانواده.



شیوه استناددهی: یآوری، سپیده، جان بزرگی، مسعود، و هوشیاری، جعفر. (۱۴۰۴). طراحی مدل ساختاری رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های زوج درمانگری سیستمی معنوی با نقش میانجی انسجام در خانواده. *شناخت، رفتار، یادگیری*, ۳(۲), ۱۱-۱.

Structural Modeling of Marital Satisfaction Based on Components of Systemic–Spiritual Couple Therapy with the Mediating Role of Family Cohesion

Sepideh. Yavari¹, Masoud. Janbozorgi^{2*}, Jafar. Houshyari³

1. Department Of Counseling, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Professor, Department of Psychology, Institute of Religious Studies and University, Qom, Iran

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran

*Corresponding Author's Email: Psychjan@gmail.com

Submit Date: 2025-04-14

Revise Date: 2025-06-12

Accept Date: 2025-06-23

Publish Date: 2025-07-22

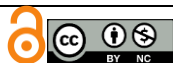
Abstract

The family, as the smallest and most fundamental social unit, requires substantial psychological investment. The aim of this study was to develop a structural model of marital satisfaction based on the components of systemic–spiritual couple therapy with the mediating role of family cohesion. The research method was descriptive–correlational. From the statistical population of married couples in Isfahan, 384 individuals were selected as a sample using a convenience sampling method. Participants completed the following instruments: the Systemic–Spiritual Couple Therapy Questionnaire (designed by Jan Bozorgi), the ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire, and the Family Cohesion Scale. Data were analyzed using Pearson correlation and path analysis. The results showed that the beta coefficient for systemic–spiritual couple therapy with family cohesion was 0.35, the beta coefficient for family cohesion with marital satisfaction was 0.39, and the direct loading of systemic–spiritual couple therapy on marital satisfaction was reported to be 0.32. Based on the obtained beta coefficients, the research hypothesis—that systemic–spiritual therapy with the mediating role of family cohesion predicts marital satisfaction—was confirmed. Therefore, the structural equation model examining the relationship between marital satisfaction and the components of systemic–spiritual couple therapy, mediated by family cohesion, was supported. In other words, spousal interactions, their flexibility and impermeability, and their ability to appreciate and forgive can predict marital satisfaction, and the variable of family cohesion influences this relationship. Although cohesion itself also has a significant positive relationship with the aforementioned variables. The results of this study suggest that the variables of systemic–spiritual couple therapy, marital satisfaction, and family cohesion can be predicted within a structural framework.

Keywords: *Marital satisfaction; Systemic–spiritual couple therapy; Spousal interaction (affection and authority); Differentiation–disclosure (forgiveness); Spousal flexibility–impermeability; Family cohesion.*



How to cite: Yavari, S., Janbozorgi, M., Houshyari, J. (2025). Structural Modeling of Marital Satisfaction Based on Components of Systemic–Spiritual Couple Therapy with the Mediating Role of Family Cohesion. *Cognition, Behavior, Learning*, 2(2), 1-11.



مقدمه

خانواده، به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، همواره نقشی حیاتی در رشد روانی، اجتماعی، و معنوی اعضای خود ایفا کرده است. کارکرد این نهاد در تأمین امنیت روانی، پاسخ به نیازهای عاطفی و شکل‌دهی به هویت فردی و جمعی، اهمیت بی‌بدیلی دارد. در این میان، کیفیت روابط میان زوجین، به‌ویژه رضایت زناشویی، شاخصی کلیدی در ارزیابی سلامت خانواده تلقی می‌شود. رضایت زناشویی مفهومی چندبعدی است که از کیفیت ارتباطات، انسجام روانی، توانایی حل تعارض، و همدلی متقابل نشأت می‌گیرد و در طول زمان، تحت تأثیر متغیرهای روان‌شناختی، معنوی، و ساختاری دگرگون می‌شود (Ashori et al., 2022; Kabiri & Khakpour, 2020). به‌ویژه در جامعه‌ای مانند ایران که مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی سهم قابل‌توجهی در روابط خانوادگی ایفا می‌کنند، بررسی متغیرهایی همچون معنویت، انسجام، و نقش ساختاری زوج‌درمانی در پیش‌بینی رضایت زناشویی از اهمیت مضاعفی برخوردار است (Khalili Baseri et al., 2023; Taghipour & Panah, 2023; Ali, 2023).

نظریه‌پردازان سیستم‌محور خانواده را به‌منزله یک کل منسجم تلقی می‌کنند که تعاملات درونی اعضا، ساختار قدرت و نقش‌های تعیین‌شده در آن، سلامت و پایداری این سیستم را رقم می‌زنند. در همین راستا، مدل زوج‌درمانی سیستمی-معنوی که توسط جان بزرگی ارائه شده، بر ابعاد تعامل همسران، انعطاف‌پذیری، نفوذناپذیری، بخشش و آشکارسازی تأکید دارد و معنویت را به‌عنوان محوری محکم در تبیین الگوهای رفتاری زوجین در نظر می‌گیرد (Hakimi Dezfuli & Ibrahimpour, 2023; Jan Bozorgi, 2016). این مدل که تلفیقی از نظریه سیستم‌ها و آموزه‌های دینی است، با تقویت مفاهیمی چون مهر، قدرت متعادل، و تعامل‌های اصیل، به بازسازی ارتباطات زوجین و افزایش رضایت زناشویی می‌پردازد (Abedi et al., 2024; Derakhshan et al., 2023). معنویت در این زمینه نه‌تنها به‌عنوان محتوایی فرهنگی بلکه به‌منزله متغیری مداخله‌گر عمل می‌کند که توانایی افراد را برای معنا دادن به تجربیات، مواجهه با تعارض‌ها و افزایش تاب‌آوری ارتقاء می‌دهد (Ramadhina et al., 2023; Tolo Takmili Torabi et al., 2020).

از سوی دیگر، احساس انسجام، که نخستین‌بار توسط آنتونوفسکی مطرح شد، در پژوهش‌های متعدد به‌عنوان یک متغیر واسطه‌ای در سلامت روان، رضایت از زندگی، و کیفیت روابط خانوادگی تأیید شده است. انسجام روانی متشکل از سه مؤلفه درک‌پذیری، مدیریت‌پذیری و معناداری است و این احساس زمانی در خانواده گسترش می‌یابد که اعضا باور داشته باشند چالش‌ها قابل درک، مدیریت و معنا هستند (Eghbali & Vahedi, 2023; Heydarnia et al., 2021). در سطح خانواده، انسجام رفتاری زمانی تقویت می‌شود که تعاملات زوجین بر اساس درک متقابل، تمایل به صرف وقت مشترک، و تعهد متقابل پایه‌ریزی شده باشد. شواهد نشان داده‌اند که انسجام خانواده می‌تواند متغیرهای گوناگونی از جمله تاب‌آوری، تنظیم هیجان، و حتی معنویت را واسطه‌گری کند (Hakimi Dezfouli & Ebrahimpour, 2024; Khakpour et al., 2015).

در حوزه روان‌شناسی خانواده، رضایت زناشویی پیوندی مستقیم با سلامت روانی، میزان بروز اختلافات، احتمال طلاق، و کیفیت تربیت فرزندان دارد. یافته‌های پژوهش‌های اخیر تأیید می‌کنند که باورهای معنوی نقش معناداری در افزایش سازگاری زوجین، درک متقابل، و کاهش تنش‌های زناشویی ایفا می‌کنند (Ashori et al., 2022; Nasiri et al., 2022). درواقع، باور به حضور قدرتی برتر و رویکردهای مذهبی چون گذشت، انصاف، و محبت، به زوجین در هنگام بروز بحران‌ها چارچوبی اخلاقی برای رفتارهایشان ارائه می‌دهد (Jan Bozorgi, 2016; Movahed et al., 2012). در این زمینه، جان بزرگی با طراحی آزمون‌های رها-آشکارسازی، تعامل همسران، و باورهای غیرمنطقی زوجین، ابزارهایی را برای سنجش مؤلفه‌های معنوی-سیستمی در ساختار خانواده ایرانی توسعه داده است که بر پایه منابع اسلامی نظیر قرآن و احادیث طراحی شده‌اند (Abedi et al., 2024; Jan Bozorgi, 2016).

اهمیت پرداختن به معنویت به‌ویژه در جوامعی که تجربه عرفی شدن، تغییر نقش‌های سنتی و افزایش تعارضات خانوادگی را تجربه می‌کنند، دوچندان است. از منظر رویکرد معنوی، زوج‌درمانی تنها به اصلاح رفتارهای آگاهانه نمی‌پردازد، بلکه به بازسازی نگرش‌ها و جهان‌بینی زوجین

از زندگی و ازدواج نیز اهتمام دارد. این رویکرد با بهره‌گیری از مفاهیمی چون خداپنداشت صحیح، عدالت الهی، و وظیفه‌مندی، بستری معنایی فراهم می‌کند که در آن همسران نسبت به مسئولیت‌های فردی و جمعی خود در قبال خانواده آگاه می‌شوند و در تعاملات خود از چارچوب‌های اخلاقی و معنوی بهره می‌گیرند (Hakimi Dezfuli & Ibrahimpour, 2023; Taghipour & Panah Ali, 2023).

پژوهش‌های متعددی نیز اثربخشی درمان‌های معنویت‌محور بر کیفیت روابط زناشویی و رضایت زوجین را تأیید کرده‌اند. برای نمونه، در مطالعه‌ای توسط (Khalili Baseri et al., 2023)، نقش واسطه‌ای سبک‌های سازگاری در رابطه میان سلامت معنوی و رضایت زناشویی اثبات شد. همچنین، (Ashori et al., 2022) نقش‌گرایی‌های معنوی را به‌عنوان متغیر میانجی بین تنظیم شناختی هیجان و سازگاری زناشویی مطرح کردند. به علاوه، (Abedi et al., 2024) در پژوهشی با رویکرد انتخاب‌محور، نشان دادند که آموزش مهارت‌های حل تعارض زناشویی می‌تواند امید به زندگی و کاهش طلاق عاطفی را در زنان متأهل ارتقاء دهد. بنابراین، گسترش الگوهایی که به‌صورت هم‌زمان به مؤلفه‌های ساختاری (تعامل، انعطاف‌پذیری، نقش‌ها)، روان‌شناختی (تاب‌آوری، هیجان)، و معنوی (خداپنداشت، گذشت) توجه دارند، ضرورتی انکارناپذیر است.

در مجموع، با توجه به موارد یادشده، این پژوهش با هدف طراحی مدل ساختاری رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های زوج‌درمانی سیستمی معنوی و با در نظر گرفتن نقش میانجی انسجام در خانواده انجام شده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش همبستگی-توصیفی می‌باشد. با توجه به اینکه این پژوهش به مدل ساختاری رضایت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های زوج درمانگری معنوی سیستمی با نقش میانجی انسجام می‌پردازد، بنابراین، روش پژوهش، توصیفی (به لحاظ این که پژوهشگر وضعیت و شرایط موجود را بدون دستکاری مورد سنجش قرار می‌دهد) و از نوع همبستگی به لحاظ این که پژوهشگر رابطه‌های بین متغیرها را مورد سنجش قرار می‌دهد، می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه زوجین شهر اصفهان که ۵ سال از ازدواج آن‌ها گذشته باشد، می‌باشد. برای انتخاب نمونه پژوهش تعداد ۵۰۰ نفر از افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره جهت شرکت در مدل انتخاب خواهند شد. ابتدا به هر کدام از زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره پرسشنامه رضایت زناشویی تحویل داده خواهد شد از زوجینی که در پرسشنامه رضایت زناشویی نمره پایین و حاضر به شرکت در پژوهش باشند به شیوه تصادفی ۳۸۴ نفر انتخاب خواهند شد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ که فرم ۴۷ سؤالی آن توسط اولسون (۱۹۹۸)، تهیه شد شامل ۱۲ مقیاس است که عبارتند از: مسایل شخصیتی (۲، ۴، ۱۲، ۱۴، ۴۰)، ارتباط زناشویی (۶، ۱۳، ۲۳، ۳۲، ۴۱)، حل تعارض (۷، ۱۴، ۲۴، ۳۳، ۴۲)، نظارت مالی (۸، ۱۵، ۱۶، ۲۵، ۳۴)، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت (۷، ۱۷، ۲۶، ۳۵، ۴۳)، روابط جنسی (۱۰، ۱۸، ۲۷، ۳۶، ۴۴)، ازدواج و فرزندان (۳۷، ۲۸، ۱۹، ۱۱، ۴۵)، بستگان و دوستان (۲۰، ۲۹، ۳۱، ۳۸، ۴۶) و جهت‌گیری عقیدتی (۳۰، ۲۱، ۵، ۳۹، ۴۷) ساخته شده است. این ابزار به صورت پنج گزینه‌ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است (کاملاً موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) که به هریک از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. ضریب آلفای «پرسش نامه انریچ» در گزارش اولسون، فورینرو دراکمن (۱۹۸۹)، برای خرده مقیاس‌های تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی به ترتیب از این قرار است: ۰/۹، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲ می‌باشد.

پرسشنامه انسجام در خانواده: پرسشنامه استاندارد انسجام سازمان یافته خانواده فیشر ۱۹۹۲ پرسشنامه انسجام سازمان یافته خانواده توسط فیشر در سال ۱۹۹۲ ساخته شده است. این مقیاس دارای ۱۳ گویه و ۴ مولفه است با یک مقیاس لیکرت شش درجه‌ای (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) و هر ماده دارای ارزشی بین ۱ تا ۶ است. با سؤالاتی مانند: (اعضای خانواده ما، بیشتر اوقات فراغت خود را با یکدیگر سپری

می‌کنند) انسجام سازمان یافته خانواده را می‌سنجد. مولفه‌های پرسشنامه شامل: میزان انسجام در خانواده سوالات ۱، ۵، ۶، ۱۰ و ۱۲، همکاری و مشارکت در خانواده سوالات ۷، ۹، ۱۱ و ۱۳، وضوح قواعد و سوالات در خانواده سوالات ۲ و ۴، وضوح رهبری در خانواده سوالات ۳ و ۸. قابلیت اعتماد یا پایایی یک ابزار عبارت است از درجه ثبات آن در اندازه گیری هر آنچه اندازه می‌گیرد یعنی اینکه ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش (فرهادی و همکاران، ۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمده است.

پرسشنامه مربوط به زوج درمانگری سیستمی - معنوی: این تست شامل چند قسمت می‌باشد یکی از قسمت‌ها باورهای غیرمنطقی زوجین می‌باشد که توسط جان بزرگی (۱۴۰۰) برای سنجش باورهای غیر منطقی زوجین در مرحله ازدواج و بعد از آن ساخته شده است و شامل ۵۴ سوال می‌باشد پس از تحلیل عاملی ۵ عامل شناسایی شد که اعتبار کل سوالات (آلفای کرونباخ)، ۰/۸۸ می‌باشد. قسمت بعدی تست تعامل همسران که این تست هم توسط جان بزرگی و همکاران (زیر چاپ)، برای سنجش چگونگی تعامل همسران، بر اساس منابع دینی ساخته شده و در خانواده درمانگری سیستمی معنوی مورد استفاده قرار گرفته است. این آزمون دارای دو نسخه بانوان (۸۰ سوالی) و آقایان (۷۶ سوالی) است که دارای چند زیر مقیاس است که اعتبار برای کل سوالات ۰/۹۶ بود. قسمت بعدی رها- آشکار سازی می‌باشد که توسط جان بزرگی و نوری (۱۴۰۱) برای سنجش میزان رها- آشکار سازی در خانواده ساخته شده است. شامل ۲۸ سوال می‌باشد و ضریب آلفای کرونباخ برای آن ۰/۹۲ می‌باشد. قسمت آخر پرسشنامه انعطاف- نفوذ ناپذیری: این پرسشنامه برای سنجش میزان انعطاف و نفوذ ناپذیری همسران در خانواده درمانگری ساخته شده که دارای ۱۴ سؤال و ضریب آلفای کرونباخ برای ۰/۸۶ محاسبه شده است.

داده‌های به دست آمده در دو سطح توصیفی و استنباطی به روش تحلیل مسیر با استفاده از مدل معادلات ساختاری در نرم افزارهای SPSS و AMOS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین نمرات شرکت‌کنندگان در متغیر زوج‌درمانی سیستمی معنوی برابر با ۱۴۸،۶۲ و انحراف معیار آن برابر با ۱۴،۸۳ بوده است که نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً متوسط در پاسخ‌ها می‌باشد. همچنین، متغیر انسجام خانواده دارای میانگین ۵۵،۴۷ و انحراف معیار ۶،۹۱ است که بیانگر هم‌گرایی نسبی در ادراک شرکت‌کنندگان از انسجام درونی خانواده است. در نهایت، متغیر رضایت زناشویی میانگینی برابر با ۱۳۴،۷۵ و انحراف معیار ۱۶،۲۸ داشته است که نشان‌دهنده میزان متوسط به بالای رضایت در نمونه مورد بررسی می‌باشد. این نتایج اولیه توصیفی مبنایی مناسب برای تحلیل‌های استنباطی بعدی فراهم می‌سازد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	میانگین (M)	انحراف معیار (SD)
زوج‌درمانی سیستمی معنوی	۱۴۸.۶۲	۱۴.۸۳
انسجام خانواده	۵۵.۴۷	۶.۹۱
رضایت زناشویی	۱۳۴.۷۵	۱۶.۲۸

در این پژوهش برای ارزیابی فرضیه پژوهش مبنی بر زوج درمانگری سیستمی با نقش میانجی انسجام در خانواده، رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند، از تحلیل رگرسیون و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج در جداول زیر آورده شده است.

جدول ۲. تحلیل رگرسیون (همبستگی چند متغیری)

معنی داری	خطای استاندارد برآورد	مجذور همبستگی	همبستگی چندگانه
***۰/۰۰۱	۳/۸۲	۰/۳۴	۰/۵۹

همبستگی بین مؤلفه رضایت زناشویی از یک طرف و انواع مؤلفه‌های زوج درمانگری سیستمی- معنوی برابر با $R=0/59$ محاسبه گردیده است. این همبستگی را همبستگی چندگانه می‌نامند و عبارت است از همبستگی بین چند متغیر مستقل و یک متغیر وابسته. اگر این ضریب بتواند دو برسد برابر با $0/34$ می‌گردد و نشان می‌دهد که ۲۵ درصد واریانس یا تفاوت‌های فردی در مولفه مقیاس رضایت زناشویی مربوط به واریانس یا تفاوت‌های فردی در انواع مؤلفه‌های زوج درمانگری سیستمی- معنوی است. این همبستگی از نظر آماری معنی دار است ($P=0/01$).

جدول ۳. ضرایب خام و استاندارد در تحلیل رگرسیون چند متغیری

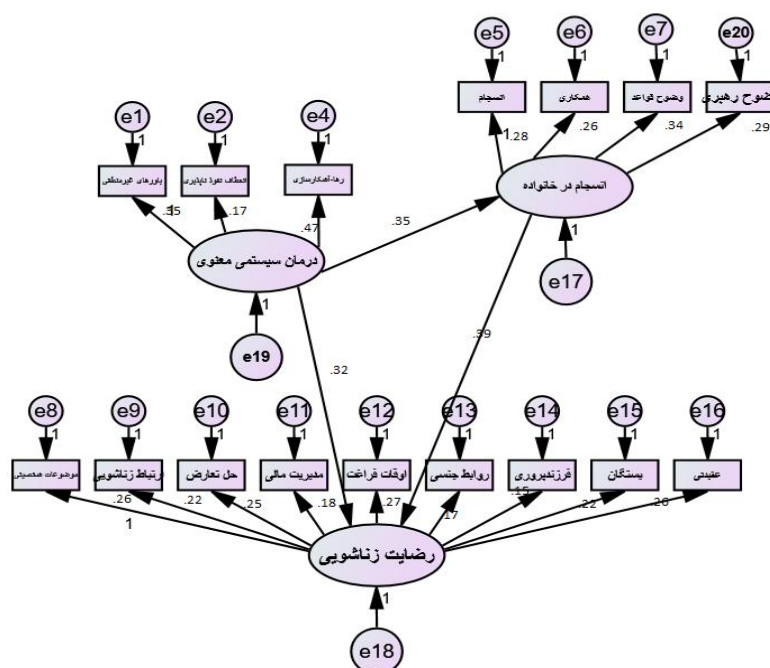
p	t	بتا	خطای انحراف معیار	B	مدل
۰/۰۰۰۱	۱۲/۳۸	-	۷/۷	۹۵/۷۶	ثابت
۰/۰۰۱	۳/۰۹	۰/۲۳۶	۰/۰۳۳	۰/۳۵۲	انسجام در خانواده
۰/۰۰۱	۳/۱۵	۰/۲۴۱	۰/۱۴	۰/۱۰۴	درمان سیستمی

در مجموع طبق اطلاعات جدول شماره فوق و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می‌شود که عامل انسجام در خانواده با مقدار $\beta=0/87$ بیشترین تأثیر معنادار را در تبیین تغییرات و پیش بینی رضایت زناشویی داشته‌اند. ضرایب مسیر فرضیه اصلی به همراه ضرایب رگرسیونی و مقادیر شاخص‌های جزئی مربوط به فرضیه در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۴. ضرایب ساختاری مدل اصلی

فرضیه	مقدار برآورد استاندارد	مقدار برآورد غیر استاندارد	انحراف استاندارد	مقدار بحرانی	مقدار P-	نتیجه
زوج درمانی سیستمی- <---	۰/۳۵	۰/۳۹۸	۰/۷۲۱	۶/۱۳	۰/۰۱	رابطه معنی دار
انسجام خانواده <---	۰/۳۹	۰/۴۲۳	۰/۳۱۲	۵/۸۷	۰/۰۰۰۱	رابطه معنی دار
زوج درمانی سیستمی- <---	۰/۳۲	۰/۳۵۷	۰/۰۶۷۳	۷/۱۶	۰/۰۱	رابطه معنی دار

همان طور که در شکل ۱ مشخص است، زوج درمانی سیستمی- معنوی در نقش متغیر برونزا و انسجام در خانواده و رضایت زناشویی و ابعاد آن در قالب متغیرهای درونزا عمل کرده است. همچنین برای متغیرهای درون زاد و برونزاد و ابعاد آن خطاهایی مفروض گردیده است که بصورت $e1, e2, \dots, e7$ به نمایش در آمده است. ضریب بتای زوج درمانی سیستمی- معنوی با انسجام در خانواده برابر با $0/35$ درصد، ضریب بتای انسجام در خانواده با رضایت زناشویی برابر با $0/39$ همچنین بار زوج درمانی سیستمی- معنوی بر رضایت زناشویی برابر با $0/32$ گزارش شده است. با توجه به ضرایب بتای به دست آمده فرضیه پژوهش مبنی بر زوج درمانی سیستمی- معنوی با نقش میانجی انسجام خانواده رضایت زناشویی را پیش بینی می‌کند تایید می‌شود.



شکل ۱. مدل معادلات ساختاری

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که زوج‌درمانی سیستمی معنوی، هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق نقش میانجی انسجام خانواده، توانست رضایت زناشویی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری نشان داد که زوج‌درمانی سیستمی معنوی دارای تأثیر مستقیم بر انسجام خانواده با ضریب مسیر $\beta=0.35$ و تأثیر مستقیم انسجام خانواده بر رضایت زناشویی با $\beta=0.39$ و همچنین تأثیر مستقیم زوج‌درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی با $\beta=0.32$ است. این ضرایب، دلالت بر قدرت تبیینی بالای مدل پیشنهادی در درک عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی دارند و فرضیه اصلی پژوهش را تأیید می‌کنند. یافته‌های این مطالعه با مطالعات قبلی در این زمینه همخوانی دارد و بر اهمیت نقش متغیرهای معنوی و انسجام خانوادگی در پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی تأکید می‌کند.

مطابق با نتایج این پژوهش، انسجام خانواده به عنوان یک متغیر میانجی قوی عمل کرده و نقش مؤثری در انتقال اثر مثبت زوج درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی داشته است. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش (Heydarnia et al., 2021) است که نشان داد مهارت‌های غنی‌سازی زناشویی مبتنی بر فرهنگ می‌تواند انسجام درون خانوادگی را افزایش دهد و در نتیجه رضایت زناشویی را ارتقا دهد. همچنین مطالعه (Ashori et al., 2022) نشان داد که گرایش‌های معنوی نقش میانجی در رابطه بین تنظیم شناختی هیجان و سازگاری زناشویی دارند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید آن است که انسجام خانوادگی می‌تواند زمینه‌ای عاطفی، شناختی و رفتاری برای رشد رضایت‌مندی در زندگی مشترک فراهم سازد.

در بخش دیگر از نتایج، تأثیر مستقیم زوج‌درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی نیز تأیید شد. این یافته با مطالعه ([Jan Bozorgi, 2016](#)) همخوان است که نشان داد الگوی مهر و قدرت در خانواده‌های درمان‌شده از طریق رویکرد سیستمی معنوی، منجر به بهبود عملکرد خانواده و ارتقای رضایت زناشویی می‌شود. این رویکرد که به‌ویژه در جامعه ایرانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی توسعه یافته، توانسته است با بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی همچون تعامل همسران، انعطاف‌پذیری، آشکارسازی و بخشش، نقش مهمی در ارتقای روابط بین فردی زوجین ایفا

کند. همچنین پژوهش (Derakhshan et al., 2023) بر تأثیر متغیرهای روان‌شناختی و شناختی در حفظ پیوستگی خانواده و رضایت زناشویی در زوجین ناباور تأکید دارد که در هم‌راستایی با نتایج مطالعه حاضر است.

از سوی دیگر، نقش مؤلفه‌های معنوی در ساختارهای زناشویی و تأثیر آن‌ها بر رضایت زوجین، در مطالعات مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، پژوهش (Ramadhina et al., 2023) نشان داد که معنویت و رضایت زناشویی دو پیش‌بینی‌کننده اصلی شادکامی ذهنی در زوجین هستند. همچنین پژوهش (Taghipour & Panah Ali, 2023) تأکید کرد که درمان معنوی مبتنی بر وظیفه‌گرایی می‌تواند رضایت و صمیمیت زناشویی را به شکل معناداری ارتقا دهد. در این پژوهش نیز نشان داده شد که نظام معنوی منسجم، که در قالب زوج‌درمانی سیستمی-معنوی طراحی شده است، بستر روان‌شناختی و معنوی مؤثری برای بهبود روابط زوجین فراهم می‌کند و نه تنها موجب کاهش تعارضات، بلکه عامل پیش‌برنده‌ای برای تقویت همدلی، مهربانی و درک متقابل در رابطه زوجین محسوب می‌شود.

از منظر نظری، پژوهش حاضر با استناد به مدل‌های سیستم‌محور و معنویت‌مدار به ارائه مدلی ترکیبی از عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی پرداخت. نقش انسجام به‌عنوان متغیر واسطه که توسط پژوهشگران زیادی نیز تأیید شده، در این تحقیق نقش محوری دارد. (Khalili Baseri et al., 2023) در مطالعه خود به نقش واسطه‌ای سبک‌های سازگاری در ارتباط بین سلامت معنوی و رضایت زناشویی پرداختند که نشان‌دهنده هم‌سویی این دو مؤلفه با هم است. از سوی دیگر، مطالعه (Tolo Takmili Torabi et al., 2020) نشان داد که جهت‌گیری دینی می‌تواند نقش میانجی در ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی ایفا کند. ترکیب یافته‌های این دو مطالعه با نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویکردهای مبتنی بر دین و معنویت، زمینه‌ساز رشد ساختار خانواده سالم و روابط زناشویی رضایت‌بخش هستند.

در مجموع، نتایج تحقیق حاضر چارچوب نظری جدیدی را پیشنهاد می‌کند که در آن، نظام زوج‌درمانی سیستمی معنوی با استفاده از ابزارهایی چون آزمون باورهای غیرمنطقی، تعامل همسران، بخشش و انعطاف‌پذیری، می‌تواند با نقش مؤثر انسجام خانواده، رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. این مدل در جامعه‌ای چون ایران که ارزش‌های دینی و فرهنگی هنوز اصالت دارند، نه تنها کاربردی‌تری بالایی دارد بلکه می‌تواند در قالب مشاوره و روان‌درمانی به‌صورت عملیاتی نیز پیاده‌سازی شود. پژوهش‌های پیشین در زمینه اثربخشی درمان‌های معنوی مانند (Hakimi et al., 2023; Dezfuli & Ebrahimpour, 2024) نیز از این رویکرد حمایت کرده‌اند.

یکی از محدودیت‌های اصلی پژوهش حاضر، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس بود که ممکن است قابلیت تعمیم نتایج را به جامعه بزرگ‌تر کاهش دهد. همچنین، استفاده صرف از پرسشنامه‌های خودگزارشی می‌تواند منجر به سوگیری پاسخ‌دهندگان شود، به‌ویژه در موضوعات حساسی مانند رضایت زناشویی و مسائل معنوی که ممکن است تحت تأثیر قضاوت اجتماعی قرار گیرند. علاوه بر این، برخی از متغیرهای مداخله‌گر نظیر شرایط اقتصادی، سطح تحصیلات، مدت زمان ازدواج، سبک‌های فرزندپروری و تفاوت‌های فرهنگی نیز کنترل نشده‌اند که ممکن است بر نتایج نهایی تأثیر گذاشته باشند.

برای افزایش قابلیت تعمیم و دقت نتایج، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده استفاده شود. همچنین، استفاده از ابزارهای ترکیبی نظیر مصاحبه بالینی، مشاهده رفتاری و بررسی طولی در کنار پرسشنامه‌های خودگزارشی، می‌تواند به افزایش اعتبار داده‌ها کمک کند. مطالعات آینده می‌توانند به بررسی تأثیر درمان معنوی سیستمی در زوج‌های با سابقه تعارض شدید یا زوج‌های در آستانه طلاق بپردازند تا کارآمدی این رویکرد در موقعیت‌های بحرانی نیز بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود نقش متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر جدید مانند تاب‌آوری، عزت نفس معنوی، و خودآگاهی نیز در مدل‌های آینده گنجانده شود.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، توصیه می‌شود مراکز مشاوره خانواده از مدل زوج‌درمانی سیستمی معنوی به‌عنوان یک رویکرد بومی و اثربخش استفاده کنند. این مدل می‌تواند در قالب دوره‌های آموزشی برای مشاوران، روان‌شناسان و مدرسان خانواده تدوین و اجرا شود. آموزش مؤلفه‌های مدل مانند تعامل مؤثر، بخشش، انعطاف‌پذیری و افزایش انسجام خانوادگی می‌تواند به زوجین در حل تعارضات و تقویت کیفیت روابط کمک

کند. همچنین لازم است سیاست‌گذاران حوزه سلامت روان و خانواده، بودجه و برنامه‌ریزی لازم را برای گسترش مشاوره‌های مبتنی بر آموزه‌های دینی در مراکز مشاوره شهری و روستایی در نظر بگیرند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

Extended Abstract

Introduction

Marital satisfaction, as a central construct in family and relationship research, plays a critical role in shaping the psychological well-being of individuals and the social functionality of families. Defined as an individual's overall contentment with their marital relationship, this multifaceted concept encompasses emotional, communicational, cognitive, and behavioral dimensions of marital life. It is well established that higher marital satisfaction is associated with increased emotional stability, improved mental health outcomes, and greater overall life satisfaction (Kasapoğlu & Yabanigül, 2018). However, recent studies have emphasized the need to integrate sociocultural and spiritual dimensions into the analysis of marital satisfaction, particularly in culturally and religiously embedded societies such as Iran (Ashori et al., 2022).

Systemic perspectives on family and marital dynamics consider the family as an interconnected unit in which the behaviors, beliefs, and emotional states of each member influence the whole system. Within this theoretical framework, systemic couple therapy has evolved to emphasize the roles, interactions, and boundaries among family members. When enriched with spiritual principles, systemic therapy can offer a unique platform for addressing marital conflicts in a manner aligned with clients' core values and cultural norms (Jan Bozorgi, 2016). Spiritual-systemic couple therapy extends beyond conventional behavioral and cognitive approaches by incorporating faith-based principles such as forgiveness, divine orientation, patience, mutual respect, and gratitude. It has been shown to foster deeper emotional intimacy, improved conflict resolution, and enhanced long-term commitment among couples (Taghipour & Panah Ali, 2023).

Alongside therapeutic approaches, psychological constructs such as family cohesion have been recognized as essential factors in understanding marital satisfaction. Family cohesion refers to the emotional bonding and degree of closeness among family members. Cohesive families tend to exhibit high levels of communication, problem-solving, and shared values, which in turn contribute to individual resilience and marital harmony (Heydarnia et al., 2021; Khalili Baseri et al., 2023). According to Antonovsky's theory, a strong sense of coherence enables individuals to perceive life events as comprehensible, manageable, and meaningful—a worldview that significantly contributes to adaptive functioning and psychological health (Eghbali & Vahedi, 2023). Within the family context, this concept translates into a shared belief system and mutual support structure that reinforces marital satisfaction.

Despite the growing evidence supporting the influence of spiritual factors and family cohesion on marital satisfaction, the interplay among these variables remains underexplored, particularly in Eastern societies where spirituality forms an intrinsic part of the cultural fabric (Ramadhina et al., 2023; Tolo Takmili Torabi et al., 2020). Moreover, few empirical studies have developed structural models that integrate spiritual-systemic therapeutic components and family cohesion to predict marital satisfaction. The present study aims to address this gap by constructing a structural equation model to explain marital satisfaction based on spiritual-systemic couple therapy components with family cohesion as a mediating variable.

Methods and Materials

This descriptive-correlational study was conducted among married couples in Isfahan, Iran. The research sample consisted of 384 participants selected through convenience sampling from individuals who had been married for at least five years and had sought counseling services. Inclusion criteria were a low score on the ENRICH Marital Satisfaction Questionnaire and willingness to participate. Participants completed three standardized instruments: the Systemic-Spiritual Couple Therapy Questionnaire, the ENRICH Marital Satisfaction Scale, and the Family Cohesion Inventory. The Systemic-Spiritual Couple Therapy tool encompassed subscales measuring irrational beliefs, spousal interaction, forgiveness (release-disclosure), and flexibility-impermeability. The data were analyzed using Pearson correlation, multiple regression, and structural equation modeling (SEM) through SPSS and AMOS software.

Findings

Descriptive statistics revealed that the mean score for systemic-spiritual couple therapy was 148.62 (SD = 14.83), for family cohesion was 55.47 (SD = 6.91), and for marital satisfaction was 134.75 (SD = 16.28). Correlation analysis showed a significant positive relationship between spiritual-systemic couple therapy components and both family cohesion ($r = .35$) and marital satisfaction ($r = .32$). Similarly, family cohesion was significantly correlated with marital satisfaction ($r = .39$). Multiple regression analysis confirmed that both family cohesion ($\beta = .236$, $p < .01$) and spiritual-systemic therapy ($\beta = .241$, $p < .01$) significantly predicted marital satisfaction.

The SEM analysis further validated the proposed model. The path coefficient from spiritual-systemic couple therapy to family cohesion was .35 ($p < .01$), from family cohesion to marital satisfaction was .39 ($p < .001$), and from spiritual-systemic therapy directly to marital satisfaction was .32 ($p < .01$). The model demonstrated good fit indices, supporting the mediating role of family cohesion in the relationship between spiritual-systemic therapy and marital satisfaction. The findings indicated that 34% of the variance in marital satisfaction could be explained by the combined effects of the predictor variables.

Discussion and Conclusion

The results of this study demonstrate that spiritual-systemic couple therapy has a significant predictive value for marital satisfaction, both directly and indirectly through family cohesion. These findings underscore the relevance of integrating spiritual elements into systemic therapeutic frameworks, particularly in societies where religious beliefs play a central role in family life. The inclusion of spiritual principles in therapy seems to resonate deeply with clients' values, thereby enhancing therapeutic outcomes and promoting longer-lasting relational change.

Furthermore, the mediating role of family cohesion highlights the importance of addressing emotional bonding, communication, and mutual commitment as dynamic processes that reinforce marital satisfaction. Families with strong cohesion offer a supportive environment where couples can negotiate differences, manage stressors, and grow emotionally. The ability to forgive, disclose vulnerability, and maintain boundaries—all emphasized in the systemic-spiritual model—appears to create the conditions for greater relational harmony. The present model offers both theoretical and practical implications. Theoretically, it contributes to the body of knowledge by bridging systemic therapy and spirituality within a structural model that explains marital satisfaction. Practically, it provides clinicians with culturally adapted tools to enhance marital quality among clients from religious backgrounds. This model can also be integrated into educational and premarital programs aimed at strengthening family foundations.

Future studies may benefit from longitudinal designs to examine the durability of intervention effects over time. Additionally, comparative studies across different cultural or religious contexts could shed light on the universality or specificity of the model. By acknowledging and incorporating the spiritual and systemic dimensions of marital life, researchers and practitioners alike can offer more holistic, relevant, and effective approaches to supporting couple relationships.

References

- Abedi, G., Ataeifar, R., & Ghamari, M. (2024). The Effectiveness of Group Marital Conflict Resolution Training Based on Choice Theory on Emotional Divorce and Hope for Life in Married Women. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 5(3), 136-146. <https://doi.org/10.61838/kman.ijecs.5.3.10>
- Ashori, S., Zade-Mohammadi, A., Ramezani, M. A., Vafaei, A., & Karimi, R. (2022). The Mediating Role of Spiritual Tendencies in the Relationship between Cognitive Emotion Regulation and Marital Adjustment. *Journal of Pizhūhish dar dīn va Salāmat (i.e., Research on Religion & Health)*, 8(2), 89-102. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v8i2.33590>
- Derakhshan, N., Shafiabadi, A., & Naeimi, E. (2023). Evaluation of effective factors in family continuity in infertile couples with marital satisfaction. *Journal of Woman and Study of Family*, 16(60), 227-244. <https://www.magiran.com/paper/2638717>
- Eghbali, A., & Vahedi, H. (2023). Predicting marital satisfaction based on attitude towards spirituality and resilience in the spouses of veterans with post-traumatic stress disorder. <https://en.civilica.com/doc/1749660/>
- Hakimi Dezfouli, Z. S., & Ebrahimpour, G. (2024). The role of psychological flexibility, emotional empathy and spiritual experiences in predicting marital satisfaction of married women. *Studies in Islam and Psychology*. https://islamicpsy.rihu.ac.ir/article_2162.html?lang=en
- Hakimi Dezfouli, Z. S., & Ibrahimpour, Q. (2023). The role of psychological flexibility, emotional empathy and spiritual experiences in predicting marital satisfaction of married women. *Islamic Studies and Psychology*. https://www.researchgate.net/publication/386051631_The_Role_of_Psychological_Flexibility_Emotional_Empathy_and_Spiritual_Experiences_in_the_Prediction_of_Marital_Satisfaction_of_Married_Women
- Heydarnia, A., Abbassi, H., & Safari, S. (2021). Identifying Marital Enrichment Skills based on Culture. *Journal of Family Research*, 17(3), 328-351. <https://doi.org/10.52547/jfr.17.3.328>
- Jan Bozorgi, M. (2016). The effect of spiritual systemic family therapy on marital satisfaction and family functioning (Mehr and power model). *Journal of Islamic Women and Family Studies*. https://journals.miu.ac.ir/article_1029.html
- Kabiri, A., & Khakpour, R. (2020). Actional Space within the Family and Marital life Satisfaction (Case Study: Married Women in Urmia). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 9(2), 423-447. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.300513.1050>
- Kasapoğlu, F., & Yabanigül, A. (2018). Marital Satisfaction and Life Satisfaction: The Mediating Effect of Spirituality. *Spiritual Psychology and Counseling*. <https://doi.org/10.37898/spc.2018.3.2.0048>
- Khakpour, I., Nazari, A. M., & Zahrakar, K. (2015). The role of family power structure dimensions in marital adjustment. *Women and Family Cultural and Educational Journal*, 9(30), 7-26. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201654.html
- Khalili Baseri, E., Suleiman Nejad, H., Safara, M., & Ahmadi, V. (2023). The mediating role of adjustment styles in the relationship between spiritual health and marital satisfaction of nurses. *Iranian Journal of Nursing Research*, 18(5), 1-11. https://ijnr.ir/browse.php?a_id=2833&slc_lang=en&sid=1&printcase=1&hbnr=1&hmb=1
- Movahed, M., Enayat, H., & Mardani, M. (2012). A study of the background factors related to the power distribution structure in the family (case study of married women in Shiraz). *Studies and Social Research in Iran*, 3(1), 159-178. https://jisr.ut.ac.ir/article_36566_1.html?lang=fa
- Nasiri, Z., Hounarparvaran, N., Javadzadehshahshahani, F., & Samani, S. (2022). Investigating the precipitating and exhibiting factors of marital infidelity: a qualitative study. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(1), 110-135. <https://doi.org/10.22034/aftj.2022.305871.1208>
- Ramadhina, F., Wardani, R., & Rohinsa, M. (2023). Spirituality and Marital Satisfaction as Predictors of Subjective Happiness in Married Couples. <https://doi.org/10.4108/eai.15-9-2022.2335887>
- Taghipour, Z., & Panah Ali, A. (2023). The effectiveness of spiritual therapy based on conscientiousness on increasing marital satisfaction and intimacy of couples in Tabriz city. *Spiritual research in health sciences*, 1(2), 120-130. <https://doi.org/10.34172/srhs.2023.011>
- Tolo Takmili Torabi, N., Vakili, P., & Fattahi Andebil, A. (2020). The relationship between personality traits and marital satisfaction based on the mediation role of religious orientation. *Applied Psychology*, 14(1), 99-118. <https://doi.org/10.52547/apsy.14.1.99>